



خب چه باید کرد برای جلوگیری از قضاوت‌ها و حاشیه‌ها؟

من به مفهومی به نام «جهان کوچک من» باور دارم؛ دایره‌ای از آدم‌ها که شاید تعدادشان زیاد نباشد اما صدای واقعی من را می‌شنوند و به آن اعتماد دارند. این افراد تلاش‌ها، مسیر و دغدغه‌های اصلی مرا می‌بینند و همین جهان کوچک برایم ارزشمند است.

خود شما هم از این حواشی و چالش‌ها به دور نبوده‌اید...

چند وقت پیش در گفتگویی به یک واقعیت اشاره کردیم که اینجا هم باید دوباره تکرارش کنم نسلی مانند ما، دهه پنجاهی‌ها با رسانه‌های جدیدی مانند فضای مجازی و اینستاگرام چندان آشنا نبود و شیوه درست استفاده از آن را نمی‌دانست. من این را همیشه «مبالات نسلی» نامیده‌ام؛ نوعی ناآشنایی طبیعی با ابزارهایی که متعلق به نسل ما نبودند.

با این حال معتقدم زمان بهترین معیار سنجش است. در گذر زمان، افراد نشان می‌دهند که دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های واقعی‌شان چیست.

به هر حال این رسانه‌ها و فضای مجازی هم محصول زمان است و مخاطبان خودش را هم دارد اما نباید رسانه‌های مکتوب مانند صبا جا خالی بدهند و فضا را به طور کامل در اختیار آن‌ها قرار دهند. به هر حال همان‌طور که تاکید کردم این رسانه‌ها کارکرد خودشان را دارند و جامعه جدی و هنری به شدت به مفاهیمی که این رسانه‌ها بر اساس آن شکل گرفته‌اند نیاز دارد و باید و نباید حفظ شوند.



باید اعتراف کنم که ما هم دیگر منبع اطلاعاتی مان فضای مجازی است. البته در خصوص اطلاعات روز و اخبار سریع، ولی اگر بخواهیم مطالب عمیق‌تر درباره فیلم‌ها و سریال‌ها بخوانیم بیشتر از ماهنامه‌ها و روزنامه‌ها پیگیر می‌شوم، نه از فضای مجازی

و سقم اخبار یا اطلاعاتی مهم باخبر شوم، بیشتر از رسانه‌های به قول خودمان سنتی مثل ماهنامه‌ها و روزنامه‌ها پیگیر می‌شوم، نه از فضای مجازی. باز هم تاکید می‌کنم که به عنوان مثال کانال‌های تلگرام الان منبع اصلی اطلاعات در فضای مجازی برای بسیاری از مردم شده است که اتفاقاً بسیاری از خبرهایش چون صرفاً برای کلیک یا جذب مخاطب است آن عمق و درستی لازم را هم ندارد، ولی وقتی می‌خواهم درباره‌ی یک شخص یا موضوعی تحقیق کنم، اصلاً فضای مجازی برایم ملاک نیست. چون فکر می‌کنم آن قدر آغشته به قضاوت و شایعه است که نمی‌شود به آن اعتماد کرد. تاکید می‌کنم برای اینکه خیلی آغشته به مجاز است، نه واقعیت.

و همان‌طور که خیلی‌ها در فضای مجازی به سرعت دیده شده‌اند گاهی همین فضا به دلیل نبود تحلیل و سندی، باعث شده که چالش‌های بسیار بزرگی هم برای برخی از هنرمندان به وجود بیاید.

متأسفانه! این موضوع حتماً و حتماً برای بسیاری از ما پیش آمده است؛ پیش آمده که بخواهیم درباره شخصی یا هنرمندی اطلاعاتی کسب کنیم، وقتی نامش را در فضای مجازی سرچ می‌کنیم با حجمی از اطلاعات ناهمگون روبه‌رو می‌شویم؛ حتی ممکن است فضایی کاملاً منفی علیه او وجود داشته باشد. اما وقتی در واقعیت جست‌وجو کنید و سابقه‌ی کاری‌اش را ببینید، متوجه می‌شوید اصلاً آن‌طور که درباره‌اش گفته بودند، نبود. نمی‌شود با چند پست یا چند کامنت درباره آدم‌ها قضاوت کرد یا همکار انتخاب کرد.

دامنه اثرگذاری و مخاطبشان بسیار بیش از دنیای این سال‌های اخیر بوده است، اما در مقابل فضای مجازی خیلی پررنگ‌تر شده و بسیاری از مردم اخبارشان را از شبکه‌های مجازی رصد می‌کنند. خب! بخشی از این موضوع اجتناب‌ناپذیر و شرایط دنیای کنونی است اما به نظر شما که در رسانه‌ها هم حضور نسبتاً پررنگی داشتید، ماهنامه‌ها چطور می‌توانند در فضای مجازی هم نسل جدید را جذب کنند؟

به نظر من، این کار خیلی سخت است. ما نسلی بودیم که لذت لمس کردن کاغذ را می‌فهمیدیم. من هنوز هم کتاب صوتی را فقط وقتی گوش می‌دهم که مجبور باشم. حتی دوستانم که متولد اوایل دهه‌ی ۶۰ هستند، همین حس را دارند. اما واقعیت این است که الان خیلی‌ها دیگر اهل مطالعه نیستند؛ نه برنامه، نه مطالب غیر برنامه‌ای. محتوای تصویری خیلی تأثیرگذارتر شده است و همین هم کار را به شدت با دشواری همراه می‌کند. باید درباره این موضوع تیم‌های کارشناسی بنشینند و تحقیق کنند.

خود شما به عنوان یک هنرمند، این روزها بیشتر از فضای مجازی برای رصد اخبار و گزارش‌ها استفاده می‌کنید یا از رسانه‌های سنتی مثل روزنامه‌ها یا ماهنامه‌ها؟

باید اعتراف کنم که ما هم دیگر منبع اطلاعاتی مان فضای مجازی است. البته در خصوص اطلاعات روز و اخبار سریع، ولی اگر بخواهیم مطالب عمیق‌تر درباره فیلم‌ها و سریال‌ها بخوانیم یا اگر بخواهیم درباره صحت